

نقدی بر نمایش اتول سُورون نوشته باقر سرش
و کار شهروز دل افکار بوی تاتار می‌آید

«یدو» تصویر غیر
کودکان و نوجوانان در جنگ تحمیلی

از خرافه ستیزی تا مصلحت اندیشی

روز چهارم جشنواره را باید روز فیلم اولی‌ها دانست گرچه فیلم‌های این روز در دو قضا و ژانر کاملاً متفاوت تولید شده است. در یادداشت امروز و در ادامه نگاهی می‌اندازیم به دو فیلم «زالاوا» و «مصلحت». همچنین در روز پنجم با دو فیلم «روشن» و «روزی روزگاری آبادان» مواجه شدیم که در همین یادداشت به آنها می‌پردازیم.

■ زالاوا؛ نقد تعصب

ارسلان امیری در نخستین تجربه فیلمسازی خود به سراغ سوژه‌ای رفته که یک سرش به ژانر وحشت و دلهره می‌رسد و یک سرش به فیلم مردم نگارانه که قصدش نقد بر تعصب و سنت‌های کورکورانه درباره جن و تأثیرات آن است. ربط این دو موجب می‌شود دلهره‌ای که در طول قصه شکل می‌گیرد حاصل یک باور و اعتقاد است نه از جنس ترس‌های فانتزی و خیالی و مبتنی بر تکنیک. به‌همین دلیل دلهره برآمده از آن، یک ترس برساخته‌ای و جعلی نیست بلکه ریشه در واقعیت دارد و اتفاقاً آنچه ترسناک‌تر است همین جهل و تعصب‌های کور است که حاصلش قربانی شدن انسان و زندگی اوست. «زالاوا» روستایی است که اهالی آن دعا می‌کنند جن به روستایشان زده و از استوار (نوید پورفرج) می‌خواهند برای بررسی مسأله عازم منطقه شود. او در این بازدید با آمردان که جن گیر مورد وثوق اهالی روستاست روبه‌رو و در ادامه دچار جدل می‌شود و او را به‌عنوان کلاهبردار دستگیر می‌کند که با مخالفت و اعتراض مردم روستا مواجه می‌شود؛ اعتراضی که کانون اصلی مناقشه است. جایی که استوار نه به مقابله با جن بلکه به مبارزه با باورهای غلط درباره جن می‌پردازد. فیلم در یک سوم ابتدایی که قرار است به بسط و معرفی دارم و شخصیت‌ها بپردازد کند پیش می‌رود اما در نیمه یا گره‌هایی مواجه می‌شویم که قصه را روی ریل خود قرار داده و هرچه به پایان فیلم می‌رسیم ریتم و التهاب و جذابیت آن بیشتر می‌شود. فیلمی که آن را از حیث پرداختن به برخی باورهای غلط و آسیب‌های ناشی از آن به فیلم عروس آتش خسرو سینایی نزدیک می‌کند. عروس آتش به تعصبات عشیره‌ای درباره ازدواج می‌پردازد و زالوا به تعصبات اعتقادی درباره جن دست می‌زند. اما آنچه فرار از این سوژه می‌تواند به تأویل‌های ضمنی قصه تبدیل شود، ارجاع و دلالت‌های نشانه شناختی به تأثیرات سوء باورهای غلط ایدئولوژیک در ساحت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که منجر به جنگ و جدل‌ها و خونریزی و ویرانی و کشتن انسان‌ها شده و آسیب‌های جدی به انسان وارد کرده. در واقع هسته مرکزی و معنایی فیلم نقد تعصب است که عقبه آن به درازنای تاریخ است. فیلم بدون اینکه وارد نشانه‌شناسی‌های گل درشت و مستقیم درباره تأویل‌های تلویحی مضمون خود شود در دل قصه‌ای که روایت می‌کند آن را نهادینه کرده و در زیر متن و لایه‌های درونی درام صورت‌بندی می‌کند. فیلم نه از جلوه‌های ویژه پر جلوه و رنگ و لعاب دار و نه از تکنیک‌های تصویربرداری عجیب و غریب برای خلق ترس یا احساس دلهره استفاده می‌کند بلکه دلهره از دل خود متن می‌آید. از درون باورها و خرافه‌هایی که درباره جن و جن زدگی وجود دارد و می‌تواند به استحاله و اضمحلال انسان و زندگی اش منجر شود. چنانکه در فیلم شاهدیم اهالی روستا به‌دلیل اعتقاد به حلول جن در یک شخص او را با تفنگ زخمی می‌کنند تا جن از او و محل زندگی آنها خارج شود. گاهی این شلیک‌ها سهوا به مرگ انسانی منجر می‌شود که در اینجا مرگ خانم دکتر مصدافی از این معناست. مرگی که روایتی از همه مرگ‌ها در طول تاریخ است که محصول جهل و تعصب و باورهای غلط و کور است. «زالاوا» از آن دست فیلم‌هایی است که خیلی تحویل گرفته نمی‌شود و به نظر می‌رسد به گیشه هم نظر ندارد بلکه فیلم مسأله‌مند و دغدغه‌مندی است که فاغ از برخی ضعف‌ها و کاستی‌های فنی، نگاه نقادانه درستی به یک امر بنیادی دارد که می‌تواند در روایت‌های فرامتنی به بازنمایی باورهای غلط و عواقبش در حوزه‌های مختلف تعمیم داده شود.

■ مصلحت؛ در جست‌وجوی عدالت

مصلحت دومین فیلم روز چهارم یکی دیگر از فیلم‌های مؤسسه اوج بود که این بار در بستر قوه قضائیه و عدالت به بازتولید گفتمان خود می‌پرداخت؛ فیلمی که در ابتدا عنوانش «مصلحت نظام» بود اما با مخالفت وزارت ارشاد به مصلحت کوتاه شد. فیلم قصه یک قاضی روحانی است که فرزندش در درگیری گروه‌های سیاسی در اوایل انقلاب یکی از نیروهای ضدانقلابی را می‌کشد و به‌قتل می‌رساند اما موقعیت و جایگاه حساس پدرش باعث می‌شود اطرافیان بنا به مصلحت اندیشی عدالت را قربانی اعتبار سیاسی پدر کرده و پرونده را مختومه کنند. نیروهای افراطی و تندرویی که مصلحت اندیشی را مصداق انقلابی گری می‌دانستند. در نهایت وقتی پدر روحانی متوجه گناهکار بودن فرزندش و پنهان کاری‌های اطرافیانش به‌خاطر حفظ موقعیت و آبروی او می‌شود، شخصا وارد بازی شده و با دادگاهی کردن نیروهایی افراطی که به خلع سلاح یکی از روحانیون نزدیک به خودش هم منجر می‌شود بر اجرای عدالت که مصداق آن در ایجاد قصاص و اعدام پدرش است تأکید می‌کند و معتقد است مصلحت نظام همان عدالت و عدالت‌طلبی است. مادر مقتول هم پای چوبه دار به واسطه اعتمادی که به این قاضی روحانی پیدا می‌کند قاتل را بخشیده و قصه به پایان می‌رسد. فیلم تلاش می‌کند با نقد نیروهای خودی اما افراطی و تندرو از نیروهای انقلابی معتدل و عدالت طلب دفاع کرده و با تمایز بخشی بین آنها مرز باریک حق و باطل در انقلابی‌گری و عدالت‌طلبی را به نمایش بگذارد. فیلم‌نامه «مصلحت» را رضا زهتابچیان نوشته است که دو سال پیش فیلم «دیدن این فیلم جرم است» را در جشنواره داشت. حسین دارایی پیش از این با کارگردانی آثار کوتاهی مانند عمک، دایو، مادر بزرگ و سفره شناخته می‌شد و حالا نخستین فیلم بلند خود را کارگردانی کرده است. فیلم یک نقطه قوت دارد؛ بازی خوب وحید زهیایی. فیلمی که تلاش می‌کند عدالت را با عینک سیاست نبیند اما سیاست از پشت قاب آن پیداست.

■ روشن؛ به سوی تاریکی

روح‌الله حجازی در همان مسیر فیلمسازی و جهان سینمایی اش که به روابط آدم‌ها در بستر خانواده توجه داشته و تردید آنها در میانه ماندن و رفتن را به تصویر کشیده، فیلم روشن را ساخته اما این بار فیلمی شخصی‌تر و شخصیت محور. در واقع در فیلم روشن قصه بر اساس یک شخصیت، دغدغه‌هایش و رنج‌هایی که تجربه می‌کند بنا می‌شود. به این ویژگی‌ها باید فرمالیستی‌تر شدن روشن را نسبت به فیلم‌های قبلی روح‌الله حجازی اضافه کرد. در فیلم روشن عناصر پررنگ‌تری از تکنیک و فرم را شاهد هستیم که در روایتی نشانه شناختی صورت‌بندی می‌شود. از عنوان فیلم که نام شخصیت اصلی قصه است گرفته تا بهره‌گیری معنادار از رنگ و نور و حتی استفاده از برخی مفاهیم سینمایی. آنچه که در فیلم روشن از حیث زاویه دید فیلمساز به سوژه برجسته می‌شود، چرخش از روانشناسی بین فردی به روانشناسی فردی و تمرکز بر فردیت و شخصیت کاراکتر اصلی قصه است. روشن که نام رضا عطاران در این فیلم است، مهم‌ترین مشکلسش این است که تکلیفش یا خودش روشن نیست، شخصیت ضعیف و شکننده دارد، نمی‌تواند زندگی و خانواده‌اش را مدیریت کند، از حشق دفاع کند و در نهایت دست به نوعی خودویرانگری می‌زند. چقدر فیلم درباره این آدم‌ها کم بود؛ آدم‌هایی که اغلب به دلیل بی‌مسئولیتی یا منفعل بودن جدی گرفته نشده یا طرد می‌شوند و کسی از زخم درون آنها خبر ندارد. زخمی که بر سینه رضا عطاران وجود دارد، نشانه بیرونی و فیزیکی زخمی درونی است که از چشم همه پنهان است یا دیگران بر این زخم نمک می‌پاشند. به گمانم کمتر در سینمای ما از این زاویه که روشن به یک انسان نگاه کرده، نگریسته شده و به‌نظم روانشناسی شخصیت یک فرد شکست خورده که حمید نعمت‌الله در شعله ور به آن پرداخته بود اینجا از منظر دیگری روایت می‌شود که بدیل و قابل تأمل است.

■ روزی روزگاری آبادان؛ سورئالیسم

حمید رضا آذرنگ را با توانمندی‌هایش در عرصه تئاتر چه در مقام بازیگر چه کارگردان می‌شناختیم. گرچه او در یک دهه گذشته در جلوی دوربین هم قرار گرفته و بازی در سینما و تلویزیون را هم تجربه کرده است. اما این برای نخستین بار است که به سراغ کارگردانی فیلم سینمایی رفته و حالا گویی با ادای دین به زادگاهش فیلم «روزی روزگاری آبادان» را ساخته؛ فیلمی که البته ربط زیادی به آبادان در روایت شهری یا تصویر جنگی ندارد گرچه ردپای جنگ مصائبی که مردم آن کشیده‌اند در قصه پیداست. آذرنگ لوکیشن ثابتی را برای فیلمش انتخاب کرده اما از همان فضا که فضای خانه است استفاده دراماتیک می‌کند و انگار هر جایی از این خانه به یکی از اعضای آن نسبت دارد و ربطی هویت مند پیدا می‌کند. مشکل اصلی فیلم این است که دیواره است و بین رثال و فانتزی به دو نیمه بدل می‌شود و یک فضای سوررئال به‌وجود می‌آورد؛ فضایی که تمام تلاش‌های فیلم در نیمه اول را هدر می‌دهد و به ضد خود بدل می‌شود. تغییر لحن ناگهانی و البته غیرواقعی به قصه فیلم که خیلی رثال شروع شد و پیشرفت را مخدوش می‌کند. انگار در میانه فضای تئاتری و سینمایی سردرگم شده و در میانه جایی قرار می‌گیرد که هویت و جهان سینمایی اثرش به واسطه همین تغییر ژانری دچار آشفتگی و گسست می‌شود. گویی فیلمساز می‌خواسته از تقابل فانتزی و رثال و واقعیت و خیال، پارادوکسی خلق کند که یک سرش کمدی است و آن سویش تراژدی و از این ظرفیت از اشک‌ها و لیخندهایی بگوید که روزی روزگاری در آبادان بچریه شد.



گرم متفاوت باران کوشری و هدیه تهرانی |

محسن قزایی و محمد داوودی در گفت‌وگو با **جواد طوسی** از «بی‌همه چیز» گفته‌اند

جراحی بر جان‌مان نشسته که می‌نویسیم

مهدی جعفری در گفت‌وگو با «ایران»:

«یدو» تصویر غیرت کودکان و نوجوانان در جنگ تحمیلی

پریسا ساسانی
خبرنگار

فیلم سینمایی «یدو» ساخته مهدی جعفری، نگاه تازه‌ای به ۸ سال جنگ تحمیلی دارد. او بعد از ساخت فیلم «۲۳ نفر»، این بار در فیلم «یدو» از نگاه یک پسر بچه ۱۴ ساله جنگ را به تصویر می‌کشد. نگاهی سرشار از عشق به سرزمین مادری و احساس مسئولیت در قبال خانواده‌ای که تا آخرین روزها مقاومت کردند و در آبادان ماندند و سرآخر این پسر بچه را تدبیر آنها را به مکان امن تری می‌فرستد تا آسوده‌تر به‌عنوان کوچک مردی بزرگ در آبادان بماند و با غیرت از خاک ایران دفاع کند. مهدی جعفری در این فیلم سراغ فیلم‌نامه‌ای قصه‌گورفته تا گوشه‌ای از رشادت‌های هموطنان جا مانده در جنگ تحمیلی را به تصویر بکشد. «یدو» تازه‌ترین فیلم مهدی جعفری به تهیه‌کنندگی بنیاد سینمایی فارابی در جشنواره سی‌ونهم فجر حضور دارد. مهدی جعفری در گفت‌وگو با روزنامه ایران درباره دغدغه خود از ساخت این فیلم صحبت کرده است.

■ بعد از فیلم ۲۳ نفر به‌عنوان فیلمساز دغدغه‌مند در حوزه بیان وقایع جنگ تحمیلی شناخته شده‌اید. لطفاً درباره جهان بینی و نگاهی که در پس ساخته شدن فیلم «یدو» از سوی شما به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان وجود داشته توضیح دهید.

جنگ و دوران دفاع مقدس بخشی از مهم‌ترین خاطرات نوجوانی مرا می‌سازد و از آنجا که این یک مسیر آزموده شده است که بازتاب تجربه‌های زیسته در سینما ممکن است با موفقیت بیشتری همراه باشد به همین دلیل من هم همچنان دغدغه ثبت و نمایش واقعیت‌های کمتر دیده شده آن دوران را دارم.

■ فیلم‌نامه اثر از ویژگی‌های قابل تأملی از جمله نوبودن روایت، غیرت یک

فیلم های اخیرم نوجوانان قهرمان‌های اصلی را شکل می‌دهند شاید همان درک ملموس خودم از خاطرات و وقایع دوران دفاع باشد ولی به نظر من مهم‌ترین و مؤثرترین قشر دوره جنگ و دفاع همین نوجوان‌ها و جوان‌ها بوده‌اند. درصد آمار بالای شهدای نوجوان و جوان نشان می‌دهد که سهم حضور آنان در این نبرد بیشتر از دیگران بوده است و ضمناً در کمتر جنگی از

محدود داشتیم و بر اساس بعضی از بازخوردها تغییراتی دادیم که منجر به نسخه نهایی شد.

■ کار با کودک در سینما همیشه سخت بوده است. بخصوص کودکی که قرار

است بالهجه در فیلمی حضور پیدا کند.

آیا بازیگران خردسال بومی بودند؟

بله همه بازیگران بومی منطقه آبادان و خرمشهر بودند و بازیگر اصفهانی ما هم بومی اصفهان. و



تاریخ چنین حضور فعال و غیورانه‌ای را از نسل جوان و نوجوان سراغ داریم. بنابراین اگر واقعیت‌های ناگفته‌ای درباره این حضور وجود دارد که دارد باید به آن پرداخته شود.

■ به‌عنوان یک فیلمساز و با توجه به بازخوردهایی که دریافت کردید، فکر می‌کنید آیا فیلم نیاز به تغییراتی در تدوین نهایی دارد؟

گمان نمی‌کنم چون ما پیش از نمایش فیلم در جشنواره چند نمایش

